

از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر

(بررسی تطبیقی رهبری سیاسی در جنگ‌های معاصر ایران)

حسن رحیمی (روشن)

www.ketab.ir


 انتشارات دیدمان
 از سقوط گنجینه تا فتح خرمشهر
 عنوان:

■ عنوان: از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر

www.DidemanBook.ir
Pub@Didemanbook.ir

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۱۹۲۷
پاک: ۱۰۰۰۲۸۷

کلیه حقوق این اثر متعلق به ناشر است و هرگونه نقل مطالب از آن صرفاً با ذکر منبع مجاز است.

فهرست

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۷	بخش اول: کلیات
۱۹	فصل اول: چیستی و چرایی جنگ
۲۳	فصل دوم: جنگ‌ها و جهان‌بینی‌ها
۳۱	فصل سوم: رابطه جنگ و سیاست
۳۵	فصل چهارم: رهبری سیاسی و جنگ
۳۹	فصل پنجم: استراتژی‌ها
۴۳	فصل ششم: رهبری، جنگ، مردم و امکانات
۵۳	منابع
۵۸	بخش دوم: ایران در جنگ با روس و انگلیس
۶۰	فصل هفتم: جنگ‌های ده ساله ایران و روسیه (جنگ‌های دوره اول)
۸۴	فصل هشتم: دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه
۹۶	فصل نهم: جنگ انگلیس و ایران
۱۱۹	منابع
۱۲۶	بخش سوم: جنگ تحمیلی عراق علیه ایران
۱۲۸	فصل دهم: زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق
۱۳۳	فصل یازدهم: اهداف عراق از تجاوز به ایران
۱۳۷	فصل دوازدهم: وضعیت نابسامان ایران در آستانه جنگ

فصل سیزدهم: حامیان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای عراق	۱۳۹
فصل چهاردهم: سیری کوتاه بر نبرد هشت ساله	۱۴۷
فصل پانزدهم: سرانجام جنگ	۱۷۳
منابع	۲۰۰
بخش چهارم: ناهمگونی‌های رهبری سیاسی ایران در جنگ‌های گذشته و دفاع مقدس	۲۰۷
فصل شانزدهم: پایگاه اجتماعی، منشأ و خاستگاه رهبری سیاسی ایران در دو مقطع	۲۰۹
فصل هفدهم: رهبری انقلاب اسلامی و چگونگی برخورد با موضوع جنگ تحمیلی	۲۲۱
فصل هجدهم: نگاهی به متحدان خارجی ایران در دو مقطع زمانی	۲۴۴
فصل نوزدهم: وضعیت سیاسی - نظامی کشورهای درگیر با ایران	۲۵۰
فصل بیستم: مقایسه جامعه ایران پس از جنگ در دو مقطع	۲۵۶
منابع	۲۶۲
نتیجه‌گیری	۲۶۶
منابع و مأخذ	۲۷۲

قلم تا آشنا با نام «هو» شد
بیاض صفحه جولانگاه او شد
«روشن»

مقدمه

رهبری سیاسی به عنوان قوه عاقله و مرکز تصمیم‌گیری در نهاد دولت از دیرباز واجد کارویژه‌هایی بوده است که یکی از مهم‌ترین آنان حفظ تمامیت ارضی کشور با هدایت و ساماندهی دفاع نظامی در برابر تجاوز احتمالی بیگانگان است. این وظیفه خطیر یکی از علل شکل‌گیری نهان دولت و حکومت در زندگی اجتماعی در سینه‌دم تاریخ دانسته شده که تا قرون متمادی و قبل از گسترش وظایف دولت به عرصه‌های دیگر اجتماعی به عنوان تنها وظیفه مهم دولت تلقی می‌شد. امروزه گرچه دفاع از کشور فقط در بعد سخت‌افزاری و حوزه نظامی خلاصه نمی‌شود و عوامل مهم دیگری در مسئله دفاع و حفظ تمامیت ارضی دخالت دارند، اما به هیچ‌وجه نقش رهبری سیاسی در ساماندهی دفاع نظامی و دفاع از کلیت نظام سیاسی، تضعیف نشده بلکه بر اهمیت آن افزوده شده است.

در قرون اخیر جنگ‌های متعددی رهبری سیاسی ایران را به چالش فراخوانده و هر یک از این جنگ‌ها، اثرات مهمی در سرزمین و تاریخ ایران به جا گذاشته‌اند. اگر تاریخ دو سده اخیر ایران، یعنی از مرگ آغامحمدخان قاجار به این سو را مرور کنیم، در این دوران شاهد جنگ‌های مهمی هستیم که مهم‌ترین و اثرگذارترین آنها را می‌توان جنگ‌های اول ایران و روس ۱۲۰۱-۱۸۰۱ م، ۹۳-۱۸۰۰ ش، جنگ دوم ایران و

۱۱۰ / از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر

روس ۲۸-۱۸۲۵م / ۰۶-۱۲۰۴ش، جنگ ایران و انگلیس ۱۸۵۶-۱۸۵۷م / ۱۲۳۵-۱۲۳۶ش، جنگ ایران و عراق ۱۹۸۰-۱۹۸۸م / ۱۳۵۹-۱۳۶۷ش، دانست، البته جنگ‌های دیگری نیز در این دو قرن رخ داده اما تأثیرگذاری این چهار جنگ را نداشته است. با نگاهی دقیق به این چهار جنگ (که در طول نزدیک به دو قرن اتفاق افتاده) و آثار و نتایج متفاوت آنها، پرسش‌های متعددی در ذهن ایجاد می‌شود.

چرا سه جنگ زمان قاجار نتیجه مشابهی دارند، اما جنگ چهارم (جنگ با عراق) نتیجه‌ای متفاوت از سه جنگ گذشته به بار آورده است؟ چرا جنگ‌های زمان قاجار منجر به شکست مطلق ایران شد؟ شکستی که مشابه آن در جنگ‌های قرون گذشته نیز دیده نمی‌شود. ایران در جنگ با روس و انگلیس نه تنها سرزمین‌های وسیعی را در شمال و شرق از دست داد، بلکه با پذیرش معاهدات گلستان، ترکمانچای و پاریس نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی غرب برای نخستین بار در کشور نهادینه شد. روحیه خودکم‌بینی و ترس از بیگانه بر روح و جان رهبران سیاسی مستولی شد و مردم را نیز تحت تأثیر قرار دارد؛ در حالی که در جنگ با عراق، کشور مهاجم به هیچ یک از اهداف اعلام شده خود مبنی بر جدایی اروندرود و ایجاد کشور عربی در خوزستان و در نهایت تجزیه و انهدام نظام اسلامی دست نیافت و برخلاف سه جنگ زمان قاجار، هیچ معاهده ذلت‌باری به ایران تحمیل نشد.

از سوی دیگر به دلیل موفقیت ایران در ناکام گذاشتن دشمن از دستیابی به اهداف خود، زدودن اثرات سیاسی و روانی اقتصادی ناشی از جنگ‌های پیشین که با وقوع انقلاب اسلامی آغاز شده بود، تکمیل شد؛ به عبارت دیگر، روند هزیمت و خودباختگی ملت ایران که با شکست از روس و انگلیس آغاز شده بود با پیروزی در جنگ تحمیلی جای خود را به فصلی جدید از خودباوری و خوداتکایی داد و نقطه عطفی در تاریخ ایران به وجود آمد که آن شکاف بزرگ تاریخی را که بین ملت ایران و گذشته‌اش به وجود آمده بود، ترمیم کرد و روح زخم‌خورده ایرانی را پس از دویست سال تحقیر به دست بیگانه، التیام بخشید.